

## **Analysis of Currency War and Economic Security in Iran (2019-2011)**

**Ali Reza Khazaei\***  
**Mojtaba Eslamian\*\***  
**Mohammad Reza Sezavar\*\*\***

Received: 01/06/2021

Accepted: 23/07/2021

### **Abstract**

One of the most important pillars of national security of a country is economic security and the stability of the factors affecting it. Protests and damage caused by dissatisfaction and living problems have plagued many developing countries. Because of the external pressures on economic factors, the analysis of Iran's economic situation should differently compare with other countries. As explained in the article, the statistics do not indicate a favorable situation for the Iranian economy in the last decade. The economic war caused by oppressive sanctions, has caused problems in general atmosphere of economy, as well as the living conditions of the people. Currency is one of the most important assets for foreign trade and a tool for economic war in the face of sanctions. This article points out that foreign exchange assets are not only a necessity for international activism, they are also affected by internal economic factors such as investment, production and inflation. Currency is one of the most important goals of the enemies in the economic war, which can be targeted by the enemies of a country during the economic war and the establishment of the sanctions system. In this article, in order to better understand the conditions of Iran's economy to create sustainable economic security with an analytical approach, the currency war with Iran during 2011-2019 has been reviewed.

### **Keywords:**

Economic Security; Sanctions; Currency War; Iran's Economy.

---

\* PhD Student in Economics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. al.khazaei@sbu.ac.ir

\*\* PhD Student in Economics, Tabatabai Public University, Tehran, Iran (Corresponding Author). m.eslamiyan@ut.ac.ir

\*\*\* PhD student in Economics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. mr.sezavar@yahoo.com

## بررسی جنگ ارزی و امنیت اقتصادی در ایران (طی دهه ۱۳۹۰)

علیرضا خزایی<sup>۱</sup>، مجتبی اسلامیان<sup>۲</sup>، محمدرضا سزاوار<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

### چکیده

از مهم‌ترین ارکان امنیت ملی هر کشور، امنیت اقتصادی و پایداری عوامل اثرگذار بر آن است. اعتراضات و آسیب‌های ناشی از عدم رضایت معیشتی دامن‌گیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است اما بررسی شرایط اقتصاد ایران باید متفاوت از سایر کشورها در نظر گرفته شود، چراکه وجود فشارهای خارجی بر عوامل اقتصادی کشور اثر بسزایی داشته است. همان‌طور که در مقاله تبیین شده است آمارها گویای وضعیت مطلوبی در دهه گذشته برای اقتصاد ایران نیستند. وجود جنگ اقتصادی که بخش مهمی از آن، تحریم‌های ظالمانه است باعث بروز مشکلاتی در فضای کلی اقتصاد کشور و متعاقباً وضعیت معیشتی مردم شده است. ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌ها برای معاملات خارجی ابزاری برای جنگ اقتصادی در شرایط تحریمی به‌شمار می‌رود. در این مقاله به این مهم اشاره شده است که دارایی ارزی نه‌تنها برای کنشگری بین‌المللی یک لازمه است، بلکه عوامل درونی اقتصاد مثل سرمایه‌گذاری، تولید و تورم نیز از آن تأثیر می‌پذیرند. ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف دشمنان در جنگ اقتصادی مطرح می‌باشد که می‌تواند توسط دشمنان یک کشور در جریان جنگ اقتصادی و برقراری نظام تحریم‌ها مورد هدف قرار بگیرد. در این مقاله به جهت شناخت بهتر شرایط اقتصاد ایران جهت ایجاد امنیت پایدار اقتصادی با رویکرد تحلیلی جنگ ارزی ایران را طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ بررسی شده است.

### واژگان کلیدی

امنیت اقتصادی؛ تحریم؛ جنگ ارزی؛ اقتصاد ایران.

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
al.khazaei@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه عامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
m.eslamiyan@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
mr.sezavar@yahoo.com

#### مقدمه

امنیت اقتصادی یکی از اصلی‌ترین ارکان امنیت ملی است، به طوری که می‌توان گفت، بدون برقراری امنیت اقتصادی در کشور، نمی‌توان از امنیت ملی سخنی به میان آورد. این رکن از امنیت ملی تحت تأثیر متغیرهای دیگری، از جمله متغیرهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... قرار دارد که بدون لحاظ آن‌ها نمی‌توان این رکن را مورد بررسی قرار داد. جنگ ارزی اساساً مغایر با رویکرد متعارف اقتصاد بین‌الملل است و کشورهای اندکی دچار آن هستند، به همین دلیل، کمتر پیشینه نظری در این حوزه وجود دارد. بدون توجه به جنگ اقتصادی نمی‌توان اقتصاد ایران را بررسی کرد اما شاهدیم که طی ده سال اخیر وضعیت مناسبی را در متغیرهای کلان اقتصادی طی نکرده است که از جمله مهم‌ترین فاکتورهای آن می‌بایست به کاهش مداوم تولید ناخالص داخلی حقیقی، جهش‌های کم‌سابقه و مداوم نرخ ارز، تورم‌های بالا به ویژه در حوزه تورم خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها به عنوان مایحتاج اولیه زندگی مردم، کاهش محسوس سرمایه‌گذاری حقیقی، افزایش کسری بودجه دولت و غیره اشاره کرد. برآیند وضعیت نامناسب متغیرهای مذکور را می‌توان در آسیب جدی به وضعیت معیشت مردم مشاهده کرد، به نحوی که پایش آمارهای منتشره توسط بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد که تولید سرانه حقیقی کشور در انتهای سال ۱۳۹۸ به کمتر از رقم متغیر مذکور در انتهای سال ۱۳۹۰ رسیده است و آشکارا حکایت از ضربه شدید به درآمد سرانه مردم و وضعیت معیشتی آنان دارد.

جدول (۱): وضعیت رشد متغیرهای کلان اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰

عنوان	۱۳۹۸ نسبت به ۱۳۹۰ (درصد)
رشد تولید با نفت	-۳,۶
رشد تولید بدون نفت	۸
رشد تولید سرانه	-۱۲,۵
رشد سرمایه‌گذاری	-۴۳
افزایش نرخ ارز (بر حسب دلار آمریکا)	۸۵۲
نرخ تورم	۵۲۷

منبع: محاسبات فوق برگرفته از داده‌های آماری وزارت امور اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران

از آنجاکه پایش در ادبیات موضوع در زمینه امنیت اقتصادی، حکایت از نقش محوری ارتقای معیشت مردم، امنیت سرمایه‌گذاری و غیره در حفظ و ارتقای وضعیت امنیت اقتصادی در کشور دارد، لذا مذاقه در آمارهای اقتصادی ده سال اخیر نشان می‌دهد که ارتقای امنیت اقتصادی کشور با چالش‌های جدی مواجه شده است و در صورت تداوم وضعیت موجود، امکان بروز ناآرامی‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی در آینده وجود خواهد داشت. لذا می‌بایست اقدام به چاره‌اندیشی برای بهبود وضعیت کرد.

توجه به تحلیل‌ها و گزارشات صورت پذیرفته پیرامون وضعیتی که هم‌اکنون اقتصاد کشور و معیشت مردم با آن مواجه می‌باشد، نشان می‌دهد که تضعیف‌های پی‌درپی در ارزش پول ملی یکی از علل کلیدی در پدید آمدن وضعیت موجود است، لذا می‌بایست با نگاهی عمیق نسبت به تأثیرگذاری آن بر امنیت اقتصادی کشور نگرسته شود.

وضعیت موجود نرخ ارز در کشور نیز برآیند فعل و انفعالات مختلف اقتصادی است که با توجه به وضعیت سیاسی - اقتصادی کشور طی ده سال اخیر، از جمله مهم‌ترین عوامل آن می‌بایست به تحریم‌های اقتصادی نظام سلطه علیه ایران با محوریت نرخ ارز اشاره کرد. پرواضح است که در شرایط جنگ اقتصادی که کشور با آن مواجه می‌باشد، ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف دولت‌های متخاصم برای ضربه به امنیت اقتصادی ایران می‌باشد و اقدام به جنگ ارزی علیه ایران نمایند.<sup>۱</sup> از همین رو این پژوهش تأثیرات جنگ ارزی بر امنیت اقتصادی کشور طی ۱۰ سال اخیر را مورد بررسی قرار می‌دهد.

با عنایت به نکات مذکور، این پژوهش در سه محور اصلی اقدام به تحلیل جنگ ارزی و امنیت اقتصادی می‌پردازد. محور اول به ادبیات جنگ ارزی و محور دوم به ادبیات امنیت اقتصادی می‌پردازد. در پایان این دو محور، جایگاه جنگ ارزی در امنیت اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد. سرانجام در محور سوم نیز به پیامدهای جنگ ارزی در امنیت اقتصادی پرداخته می‌شود و مجراهایی که در نتیجه جنگ ارزی مورد آسیب قرار می‌گیرند، شناسایی شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

---

۱. مارشال بیلینگرلی دستیار وزیر خزانه‌داری آمریکا که همزمان ریاست (FATF) هم بر عهده دارد در جلسه استماع کنگره آمریکا در سپتامبر ۲۰۱۸ میلادی، از افزایش نرخ ارز و تضعیف ریال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی ایران که نشانگر موفقیت تحریم‌های آمریکاست، نام برد (نقل از خبرگزاری مشرق).

## ۱. پیشینه پژوهش

### ۱-۱. مطالعات داخلی

امنیت اقتصادی چهره جدید و مهم امنیت در دنیای معاصر است که در همه سطوح فردی، اجتماعی و ملی توجه نظریه پردازان حوزه «امنیت» را به خود جلب کرده است. این وجه از امنیت گرچه در تاریخ زندگی اقتصادی بشر همیشه به نوعی وجود داشته، در بستر «جهانی شدن» ابعاد و ویژگی‌هایی تازه یافته که اهمیت آن را تا رتبه اول میان سایر ابعاد ارتقا داده است. با آن‌که مباحث مرتبط با امنیت اقتصادی از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه اندیشمندان در رشته‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی اقتصادی و روابط بین‌الملل قرار گرفته است. هنوز منزلت آن در ادبیات اقتصادی کشور ما چندان شناخته شده نیست. الله‌مراد سیف در مقاله‌ای با عنوان مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی به سؤال محوری چیستی امنیت اقتصادی، شاخص‌ها و تبعات فقدان آن می‌پردازد و ضمن اشاره به سابقه تاریخی موضوع، مفاهیم، شاخص‌ها و رویکردهای امنیت اقتصادی و آثار و تبعات ناامنی اقتصادی مورد بحث قرار می‌دهد.

از سویی دیگر در پژوهش‌های داخلی می‌توان به مقاله «نگاهی به علل و ابزارهای جنگ ارزی بین کشورها به جنگ ارزی در اقتصاد جهانی» نگاشته منوچهر مصطفی پور اشاره داشت که مدعی است یک «جنگ ارزی بین‌المللی» اتفاق افتاده است که از مدت‌ها پیش بین کشورهای صادرکننده عمده از جمله آمریکا و چین در جریان بوده است. همچنین این موضوع از زمانی به یکی از داغ‌ترین موضوعات مورد بحث رسانه‌های اقتصادی جهان تبدیل شده است. کشورها در بازار ارز مداخله می‌کنند تا نرخ برابری پول‌های ملی خود را پایین نگه‌دارند و رقابت‌پذیری خود را در بازار جهانی افزایش دهند. به همین دلیل، «ارزها به‌طور عمومی در حال ضعیف‌تر شدن هستند. این قضیه اقتصاد ما را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ زیرا رقابت‌پذیری ما را از میان می‌برد». در شرایط نامساعد اقتصاد جهانی، تعداد زیادی از کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست کاهش ارزش پول ملی، می‌تواند راهی سریع و کارآمد برای تحرک بخشیدن به اقتصاد آن‌ها باشد. با این حال نکته حائز اهمیتی که این سیاست را از سیاست کاهش ارزش پول ملی متمایز می‌سازد، اقداماتی است که کشورها از طریق بازارهای بین‌المللی و به‌منظور تقویت ارزش پول کشورهای رقیب به عمل می‌آورند.

زارع و مرادی کهواده (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «امنیت اقتصادی، اهمیت و جایگاه آن در ایران» اشاره دارند که امنیت یکی از نیازهای فطری بشر در زندگی اجتماعی، و ایجاد آن همواره از مهم‌ترین فلسفه وجودی دولت‌ها بوده است. واژه امنیت فقط نبود تهدید نظامی ناشی از عوامل خارج از مرزهای یک کشور نیست، در معانی جدید از امنیت موارد دیگری نیز شامل می‌شود. جامعه بشری دارای مؤلفه‌های متعددی است که اقتصاد از اساسی‌ترین آن‌هاست. رابطه تجارت و امنیت چه در داخل یا در سطح بین‌الملل، سابقه‌ای به اندازه تاریخ کشورها دارد. هرچه امنیت بیشتری در یک جامعه در قالب حکومت برقرار باشد شاخص‌های رشد و بهبود تجاری و اقتصادی آن جامعه نیز به‌طور متناسبی افزایش می‌یابد. در یکی دو قرن اخیر، و با پایان جنگ سرد و سوق به سوی روابط جدید در نظام بین‌الملل، با تغییر اولویت‌های امنیتی، امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در گفتمان‌های دنیا مطرح شده، به طوری که فراهم کردن بسترهای مناسب برای حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی در کشورها، بدون وجود امنیت اقتصادی میسر نیست. امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری، فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی است که در چارچوب آن، طرح‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی از مرحله اجرا و بهره‌برداری تا پایان کار بدون اخلال و آشفتگی‌های بیرونی صورت گیرد. امنیت اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی دارای دو بُعد: امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت اشتغال و درآمد می‌باشد. نباید جهت ایجاد امنیت اقتصادی، فضای اقتصاد را امنیتی کرد، که به‌طور فزاینده‌ای تخریب‌کننده خواهد بود.

اکبری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در ایران»، امنیت اقتصادی را بدین‌گونه تعریف کرده است که فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی است که در چارچوب آن، طرح‌های سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی بتوانند از آغاز تا پایان کار بدون اخلال‌ها و آشفتگی‌های بیرونی عمل نمایند. در این تحقیق به روش تاریخی تحلیلی به ارزیابی امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری در ایران در طی ۴ برنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. طبق یافته‌های تحقیق در دوره‌های موردبررسی رابطه مثبتی بین رشد سرمایه‌گذاری و به‌طورکلی رشد و توسعه اقتصادی و

امنیت اقتصادی وجود داشته است. همچنین از مدل بررسی شده به این نتیجه می‌رسیم که هرچه آزادی اقتصادی بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای تأثیر بیشتری بر تولید ناخالص داخلی خواهد بود و به اثرگذاری نرخ ارز در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و امنیت اقتصادی اشاره دارد.

علوی، شهبازی و احدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «به واکاوی بحران ارزی در سال ۱۳۹۷» تدوین نموده‌اند. این مقاله مدعی است بحران ارزی یا افزایش شدید، مستمر و غیرارادی نرخ ارز به دلیل تبعات مخرب آن بر شاخص‌های کلان اقتصادی به‌ویژه تورم و بی‌ثبات‌سازی به‌عنوان یک تهدید و چالش برای اقتصاد و امنیت اقتصادی شناخته می‌شود. در اقتصاد ایران بحران ارزی در مقاطع متعددی واقع شده که آخرین و شاید مهم‌ترین آن در سال ۹۷ رخ داد، که تبعات گسترده سیاسی امنیتی و اقتصادی به دنبال داشت و دارد. بررسی علل و عوامل و شناسایی سهم هریک در این واقعه بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند چراغ راه برای ادامه مسیر حکمرانی اقتصادی باشد. این پژوهش نشان می‌دهد بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا توسط ترامپ نقش زمینه‌ای برای تغییر در انتظارات بازار ارز داشت.

جعفری صمیمی و اختیاری در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر امنیت اقتصادی بر فرایند رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تأکید بر ایران» به بررسی رابطه رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تکیه بر ایران پرداخته‌اند. در دوره موردبررسی (۲۰۰۵-۱۹۹۷) نتایج برآورد بنابر تخمین مدل از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که متغیرهای رشد جمعیت، رشد نیروی کار، رشد سرمایه، سهم دولت در اقتصاد، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی و امنیت اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته، درحالی‌که متغیر نرخ تورم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ایران در این دوره از متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی بالاتر بوده است. از سوی دیگر، شاخص امنیت اقتصادی ایران در این دوره از متوسط شاخص امنیت اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی کمتر بوده که نشان‌دهنده سطح پایین امنیت اقتصادی در ایران است.

## ۲-۱. مطالعات خارجی

از آنجاکه مورد مطالعه پژوهش حاضر در خصوص ایران است و اشاره به شرایط ویژه آن در دنیا دارد، نمی‌توان به صورت تطبیقی مطالعات خارجی را مورد استفاده قرار داد اما از سویی باید اشاره کرد که در دنیا سابقه جنگ ارزی و اثرگذاری بر اقتصاد کشورها وجود داشته است. براساس مطالعات انجام شده کشورهای آمریکا، چین، انگلیس، ژاپن، روسیه و ایران از جمله کشورهای درگیر در این موضوع شناخته می‌شوند.

مک کینون و لیو در مطالعه خود جنگ‌های ارزی مدرن ایالات متحده در مقابل ژاپن را بررسی می‌کنند و اشاره می‌شود در سال ۲۰۱۳، از طریق تخفیف کمی گسترده توسط بانک ژاپن (BOJ)<sup>۱</sup>، این حدود ۲۵ درصد در برابر دلار کاهش یافت و ترس از جنگ ارزی جدید را با بازگشت هزینه‌های ژاپن برانگیخته شد. اما این تنش شدید پس از سه سال افزایش ین، برابری قدرت خرید را به سادگی برقرار کرد. در ژوئن ۲۰۱۳، قدرت برابری خرید برای ین حدود ۱۰۰-۱۰۳ درصد به ازای هر دلار شد. و از منظر طولانی‌تر از سال ۲۰۰۷، تسهیل کمی توسط بانک مرکزی ژاپن مشابه آنچه توسط خود فدرال رزرو، بانک انگلیس و بانک مرکزی اروپا انجام شده است. بنابراین تنها در صورت کاهش ارزش ین خیلی بیشتر، بانک ژاپن می‌تواند به عنوان یک جنگ ارزی مقصر باشد. در این مقاله تاریخچه و تأثیر استاندارد طلا و استاندارد دلار بررسی می‌شود. این پژوهش از سویی به جنگ ارزی با چین اشاره می‌کند که اگر ایالات متحده و ژاپن بتوانند (اگر فقط به طور ضمنی) نرخ مناسب ین در هر دلار را توافق کنند، چین را قادر می‌سازد پول خود را با نرخ فعلی ثابت نگه دارد که نزدیک به قدرت برابری خرید نیز هست. بنابراین می‌توان از جنگ ارزی در میان سه بزرگ آسیا جلوگیری کرد.

وی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های ارزیابی سطح امنیت اقتصادی در منطقه»، ماهیت امنیت اقتصادی و امنیت اقتصادی منطقه فدرال اورال روسیه براساس طبقه‌بندی تهدیدات را ارزیابی کرده‌اند. اهداف تأمین امنیت اقتصادی در منطقه در نظر گرفته شده است و روش مقایسه شاخص‌های اقتصاد کلان با مقادیر آستانه، روش ارزیابی

---

1. Bank of japan



پویایی تغییرات در نرخ رشد اقتصادی در منطقه و ارزیابی تخصصی که برای توصیف ویژگی‌های کمی و کیفی سطح امنیتی منطقه برای اندازه‌گیری امنیت اقتصادی در منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص‌های امنیت اقتصادی منطقه، که شامل هشت واحد اصلی از جمله اثر ارز است، در این پژوهش ارائه شده است. در نظر گرفتن دستورالعمل‌های دولت برای امنیت اقتصادی و جهات خود سازماندهی واحدهای اقتصادی در منطقه، ویژگی رویکرد نویسنده در تشکیل سازوکاری برای تأمین امنیت اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

موضوع مورد بررسی در پایان‌نامه‌ای نیز در زوربخ و در سال ۲۰۱۴ میلادی با عنوان «جنگ‌های ارزی: فقدان سیستم پولی جهانی» بررسی شده است. گیلرمو والنسیا آرانا در این مطالعه مدعی است که معنی جنگ ارزی و عواقب آن موضوعی است که داغ گمانه‌زنی در هر میز تجارت در سراسر جهان است. این پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جنگ‌های مختلف ارزی در قرن بیستم را برای پیشنهاد، استنباط و آزمایش یک چارچوب نظری بازی، برای پیش‌بینی سناریوهای بالقوه در جنگ ارزی فعلی مطالعه می‌کند. فلسفه این مطالعه پیش‌بینی این‌که چه کسی برنده یک جنگ ارزی خواهد بود نیست، بلکه درک قوانین «بازی» است. ژان در مقاله خود در دانشگاه جان هاپکینز یک مدل قابل قبول از اقتصاد جهانی با سختی اسمی نزولی رو به پایین ارائه می‌دهد که در آن برنامه‌ریزان اجتماعی ملی به ابزارهای مختلف سیاسی دسترسی دارند. نرخ ارز، سود اسمی، مالیات واردات و صادرات و مالیات بدهی‌های سرمایه از متغیرهای مورد بررسی است. نتیجه حاصل نشان می‌دهد اگر برنامه‌ریزان اجتماعی فقط از سیاست‌های پولی استفاده کنند، اقتصاد می‌تواند با بیکاری در دام نقدینگی جهانی بیفتد. در این زمینه، جنگ‌های تجاری شامل واردات کالاها، بیکاری را تشدید می‌کند و منجر به خسارات زیادی در رفاه می‌شود. در مقابل اگر برنامه‌ریزان ملی از یارانه‌های صادراتی استفاده کنند اشتغال کامل وجود دارد و نیازی به هماهنگی بین‌المللی نیست. جنگ‌های پایتخت ممکن است منجر به شکست تقارن درون‌زا شود در حالی که کسری از کشورها برای دستیابی به اشتغال کامل ارزهای خود را بی‌ارزش می‌کنند.

## ۲. ادبیات نظری پژوهش

اگرچه هنوز تعریف دقیقی از جنگ ارزی ارائه نشده، اما به نظر می‌رسد جنگ ارزی علاوه بر پیگیری سیاست کاهش ارزش پول ملی به اتکای ابزارهای داخلی بر استفاده گسترده دولت‌ها از معاملات ارزی جهت متأثر کردن ارزش پول ملی رقبا، گسیل جریان‌های سرمایه به کشورهای رقیب، استفاده از ابزار نرخ بهره برای محدود کردن جریان‌های سرمایه خارجی به داخل، خرید اوراق بهادار دیگر کشورها به منظور تقویت پول ملی آن‌ها و همچنین وضع مالیات بر ورود سرمایه‌های خارجی به منظور جلوگیری از افزایش ارزش پول ملی اطلاق می‌شود. این ترفندها اساساً به منظور تقویت ارزش پول ملی کشور رقیب یا تضعیف ارزش پول ملی کشور اعمال‌کننده صورت می‌گیرد و باهدف بهبود وضعیت تراز تجاری کشور اعمال‌کننده دنبال می‌شود. شایان‌توجه آن‌که، اگرچه کاهش ارزش پول ملی<sup>۱</sup> به اتکای سیاست‌های داخلی سیاست جدیدی در حوزه اقتصاد به حساب نمی‌آید، با این حال کاهش ارزش پول ملی به اتکای عملیات مالی که حول محور تقویت ارزش پول کشور رقیب طراحی شده، در نوع خود سیاست جدیدی به حساب می‌آید که تقویت وضعیت تجاری یک کشور به قیمت تضعیف وضعیت تجاری کشور رقیب را دنبال می‌کند، یا حداقل با چنین تبعاتی برای کشور رقیب همراه است (مصطفی‌پور، ۱۳۸۹).

امنیت اقتصادی نیز نسبتاً تعریف سربسته و مبهمی دارد و شامل تناقضات ذاتی زیادی است و تاکنون تعریف چندان مشخص و گویایی از امنیت اقتصادی ارائه نشده است. همچنین، ارائه تعریف کم‌وبیش دقیقی از این مقوله نین امکان‌پذیر نیست. آنچه مسلم است، امنیت اقتصادی با دیگر ابعاد امنیت مانند امنیت انظامی، امنیت قضائی و امنیت اجتماعی ارتباط علت و معلولی متقابل دارد و لازمه حصول امنیت اقتصادی توجه جدی به دیگر ابعاد امنیت است؛ از آنجاکه بازار، فضای مناسبی برای انعکاس ابعاد اقتصادی روابط اجتماعی است، امنیت اجتماعی رابطه بسیار نزدیکی با امنیت اقتصادی برقرار می‌کند. چنین فرض می‌شود که امنیت پیوسته با تهدید و یا آسیب‌پذیری همراه است، بنابراین، تشخیص موضوع و حوزه دقیق مقوله اقتصادی مشکل خواهد بود. در واقع امنیت

اقتصادی را می‌توان نوعی خدمات یا کالای عمومی دانست که تولید آن از عهده فعالیت‌های بخش خصوصی در بازار بر نمی‌آید این شکست بازار، زمینه را برای فعالیت بخش عمومی جهت تولید مثبت مهیا می‌سازد. با این حال، همیشه دولت‌ها موفق به انجام وظایف خود در زمینه استقرار امنیت نمی‌شوند. گاهی مواقع دولت‌ها به دلیل عدم کارایی قواعد حاکم بر نظام کشور و نامحدود بودن اختیارات آن‌ها، خود دچار رفتارهایی می‌شوند که نه تنها کمکی به امنیت نمی‌نماید، بلکه مخل آن نیز می‌شوند (رسولی، ۱۳۹۴).

در یک بیان ساده می‌توان امنیت اقتصادی را میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم در بُعد داخلی و هم در بُعد بین‌المللی، دانست (پورسید، ۱۳۸۱). تأمین امنیت اقتصادی نیازمند زمینه‌ها و شرایطی است که بتواند عملکرد مطلوب کلیه نهادهای مرتبط با فرایند تولید و سرمایه‌گذاری را فراهم سازد. در کنار امنیت اقتصادی، آزادی اقتصادی به‌عنوان مؤلفه مهم دیگری در جلب و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (Brunetti et al., 1997). از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط امنیت اقتصادی که فعالان اقتصادی انتظار دارند، ثبات ارزی در کشور است، به‌نحوی که بتوانند براساس محاسبات بلندمدت نتیجه تولید، صادرات و سرمایه‌گذاری خود را پیش‌بینی کنند.

### ۳. جنگ ارزی

ارز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف دشمنان در جنگ اقتصادی مطرح می‌باشد که می‌تواند توسط دشمنان یک کشور در جریان جنگ اقتصادی و برقراری نظام تحریم‌ها مورد هدف قرار بگیرد. با این حال، هنوز تعریف دقیقی از جنگ ارزی ارائه نشده است (مصطفی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۳) و نگاهی عمیق به مبانی نظری جنگ ارزی نشان می‌دهد که برداشت از این مفهوم، به‌صورت رایجی که در محافل تحلیلی ایران وجود دارد، نمی‌باشد. لذا می‌بایست با مراجعه به محتواهای منتشرشده در این زمینه، اقدام به تصریح مفهوم جنگ ارزی کرد. در یک تحلیل محتوا از مفاهیم مطرح‌شده در این حوزه، براساس تمایل کشورها به این موضوع دو برداشت کلی را می‌توان در مورد جنگ ارزی مطرح کرد.

### ۳-۱. جنگ ارزی با مبدأ صورت درونی و با اراده کشور هدف

در این حالت، کشور هدف اقدام به پایین نگه داشتن ارزش پول ملی خود می‌کند و یا آن‌که برابری قدرت خرید ارزش پول ملی خود را نسبت به ارزش‌های معتبر خارجی کاهش می‌دهد. این اقدام به دلایلی از جمله رونق صادرات کشور، تسخیر بازار سایر کشورها، به شکست کشاندن فعالیت برخی صنایع در کشورهای مدنظر و غیره صورت می‌پذیرد. از لحاظ عملیاتی، این نوع جنگ ارزی اقدامی مسبوق به سابقه است و از مهم‌ترین شاهد مثال‌های آن می‌توان به وضعیت اقتصادی جهانی در دهه ۱۹۳۰ میلادی اشاره کرد، به نحوی که کشورهای صنعتی وقت نظیر فرانسه، آلمان و انگلیس، به‌طور مکرر و به‌صورت چرخه‌ای، اقدام به کاهش ارزش پول ملی خود می‌کردند، لیکن این اقدام با پاسخ متقابل شرکای تجاری مواجه می‌شد و این چرخه ادامه داشت تا این‌که در نهایت منجر به قفل شدن جریان بازرگانی بین‌الملل در آن برهه زمانی و صدمه به اقتصاد کشورها گردید. پس از آشکار شدن نتایج منفی جنگ ارزی مذکور در سطح اقتصاد جهانی، اتخاذ صریح سیاست مذکور توسط کشورها متوقف گردید و این وضعیت تا پیش از وقوع بحران مالی ۲۰۰۸ ادامه داشت. لیکن با اقداماتی که به‌منظور حل بحران مالی ۲۰۰۸ توسط ایالات متحده آمریکا صورت می‌پذیرد، حرکات زیرپوستی در این زمینه آغاز می‌شود، تا این‌که سرانجام گیدو مانتگا وزیر دارایی برزیل در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۰ صریحاً اعلام می‌دارد که جهان درگیر جنگ ارزی بین‌المللی است (Wolf, 2010). این گفتار، مجدداً نگاه‌ها را معطوف به مقوله جنگ ارزی می‌نماید و برخی دیگر از مقامات اقتصادی دنیا نیز مواضعی را اتخاذ می‌نمایند. هم‌اکنون نیز کشور چین به‌عنوان مهم‌ترین کشوری که از این سیاست برای گسترش صادرات خود استفاده می‌نماید، در مظان اتهام قرار دارد (مصطفی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۲).

### ۳-۲. جنگ ارزی با مبدأ بیرونی و بدون اراده کشور هدف

این حالت برخلاف حالت قبل، با اراده کشور هدف صورت نمی‌پذیرد و به‌صورت شوک بیرونی بر کشور هدف وارد می‌شود. در این حالت، ارزش پول ملی کشور هدف، توسط برخی دیگر از کشورها مورد حمله قرار می‌گیرد و با اقدامات مختلفی از جمله محدودیت روابط بانکی، محدودیت ورود ارز خارجی به کشور هدف، محدودیت راه‌های صادرات از جمله صادرات نفتی و غیره اقدام به تضعیف پول ملی کشور هدف می‌گردد. اقدام مذکور،

اثرات سوئی بر اقتصاد کشور هدف می‌تواند داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به افزایش قیمت کالاهای وارداتی، افزایش هزینه تولید در صنایع وابسته به نهاده‌های وارداتی، بروز پدیده قاچاق به خارج از کشور و غیره اشاره کرد. این نوع جنگ ارزی، یکی از مهم‌ترین و ویرانگرترین ابزارها در جنگ اقتصادی و نظام تحریم‌ها می‌باشد و مراد از آنچه که در این پژوهش به‌عنوان جنگ ارزی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، همین نوع است.

### ۳-۳. جنگ ارزی در ایران

اقتصاد ایران با اوج‌گیری تقابل با نظام سلطه، تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته است، به‌نحوی که روند این موضوع از سال ۱۳۹۰ با برقراری تحریم‌های به‌اصطلاح فلج‌کننده تشدید شده است و همچنان ادامه دارد. دو دسته کلی از نظام تحریم‌ها که در زمره مهم‌ترین آن‌ها نیز قرار دارند، به‌طور مستقیم با مقوله ارز در ارتباط هستند که موجب می‌شوند تا آشکارا بتوان به‌وقوع جنگ ارزی در ایران پی برد. دسته نخست، برقراری تحریم‌های نفتی می‌باشند. از آنجایی که طی ده‌ها سال، نفت به‌عنوان مهم‌ترین کالای صادراتی ایران قلمداد شده است که تأمین‌کننده عمده نیازهای ارزی کشور می‌باشد، از همین رو با برقراری محدودیت در صادرات نفت توسط ایران، سمت عرضه ارز در اقتصاد با محدودیت مواجه می‌شود و با ایجاد نوسان در قیمت ارز، متغیر نرخ ارز مورد هدف قرار می‌گیرد. این موضوع با توجه به تأثیرات زنجیره‌واری که نرخ ارز در اقتصاد ایفا می‌کند، منجر به بروز نوسانات جدی در بازارهای مختلف می‌گردد که فشار آن در نهایت بر معیشت مردم وارد می‌آید. دسته دوم، برقراری تحریم‌های بانکی می‌باشد. در این نوع تحریم، تبادلات مالی ایران از مجاری رسمی با محدودیت مواجه می‌شود و در موارد شدید مسدود نیز می‌گردد. این امر منجر به عدم بازگشت ارزهای حاصل از صادرات - به‌ویژه صادرات با منشأ بخش دولتی - و عدم امکان بازگشایی تأمین مالی ارزی (فاینانس) می‌گردد که در نهایت موجب می‌شود تا طرف عرضه ارز در اقتصاد نیز با محدودیت منابع مواجه شود. لذا قیمت ارز نیز دست‌خوش تغییر قرار می‌گیرد و همان‌طور که ذکر شد، در نهایت منجر به فشار بر معیشت مردم به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت اقتصادی می‌گردد.

لذا مشخص است که با ایجاد جنگ ارزی علیه ایران، ضربه به سمت عرضه بازار ارز به عنوان یک مشکل مطرح می‌باشد که منجر به بروز مشکل نوسان در نرخ ارز و تضعیف پول ملی می‌گردد. این امر در نهایت منجر به گرانی کالاها و خدمات و تضعیف معیشت مردم می‌شود که می‌تواند در صورت تداوم شرایط، زمینه بروز بحران اجتماعی و ضربه به امنیت ملی را فراهم آورد.

#### ۴. امنیت اقتصادی

امنیت به عنوان یک مفهوم ذهنی و نسبی مطرح می‌باشد که در مورد تعریف آن، اتفاق نظری وجود ندارد (درویشی، ۱۳۸۹، ص. ۵۷)، لیکن می‌توان ابعاد آن را شناسایی کرد. امنیت ملی دارای چهار بعد اصلی شامل اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی - فرهنگی می‌باشد (جعفری و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۹) که همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بعد اقتصادی نیز یکی از چهار رکن امنیت است. در مورد امنیت اقتصادی تعاریف گوناگونی شده است. برخی از پژوهش‌ها، امنیت اقتصادی را «یک چارچوب نهادی که مشوق و موجب اعتماد خاطر فعالان اقتصادی برای تلاش بیشتر و تضمین امنیت فیزیکی افراد و امنیت حقوقی معاملات است»، تعریف کرده‌اند (هاشمیان اصفهانی و گرجی، ۱۳۸۶، ص. ۵۸). در این نوع تعریف، امنیت اقتصادی دربرگیرنده عوامل و ساختارهای اجتماعی است که بر کسب و کار مردم و اطمینان آن‌ها از تداوم فعالیت‌شان تأثیرگذارند. برخی دیگر از تعاریف، «مصونیت یک فرد، گروه و ملت را از تعرض و تجاوز به حقوق اقتصادی مشروع» را امنیت اقتصادی تعریف کرده‌اند (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴). این تعریف نیز با در نظر گرفتن حقوق اقتصادی، اشاره به زمینه‌های نهادی در امنیت اقتصادی دارد. برخی دیگر از تحلیل‌ها، امنیت اقتصادی را از جهت منشأ خلق آن مورد تعریف قرار داده و آن را نوعی خدمات یا کالای عمومی دانسته‌اند که تولید آن از عهده بخش خصوصی در بازار بر نمی‌آید (رسولی و فرزین‌وش، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۷؛ جعفری صمیمی و اختیاری، ۱۳۸۷، ص. ۷۴).

با وجود تعاریفی که از امنیت اقتصادی شده است، نکته مهم‌تر در ارتباط با مؤلفه‌ها و ارکان امنیت اقتصادی می‌باشد. تحلیل محتوای پژوهش‌های صورت پذیرفته نشان می‌دهد که چهار رکن کلی در زمینه امنیت اقتصادی وجود دارد:

- ثبات محیط کلان اقتصادی؛

- ثبات قوانین و مقررات و نظم کارآمد؛
- ثبات سیاسی و حقوقی؛
- اعتبار دولت نزد فعالان اقتصادی.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ثبات محیط کلان اقتصاد و وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی از جمله ارکان مهم در تحلیل امنیت اقتصادی می‌باشند که در این پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

از آنجایی که ارتباط تنگاتنگی میان امنیت اقتصادی و سایر ابعاد امنیت در جامعه برقرار می‌باشد (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴)، لذا هرگونه اختلال در امنیت اقتصادی می‌تواند منجر به ایجاد بحران در سایر ابعاد امنیتی جامعه شود و کشور را دچار بحران‌های اجتماعی گرداند. از سوی دیگر ملاحظه می‌شود که اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۰ با جنگ اقتصادی فراگیر مواجه شده است و در جنگ مذکور و نظام تحریم‌های برقرارشده، جنگ ارزی نقش محوری را ایفا می‌کند. لذا می‌بایست به‌دقت به تحلیل نقش جنگ ارزی در امنیت اقتصادی پرداخته شود. در قسمت بعد با توجه به مؤلفه‌های امنیت اقتصادی، این موضوع مورد واکاوی قرار گرفته است.

##### ۵. پیامدهای جنگ ارزی بر امنیت اقتصادی در ایران

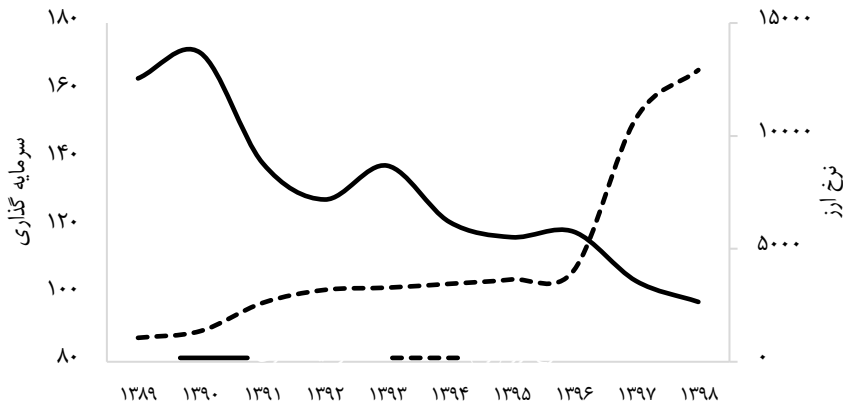
از جمله مهم‌ترین محورهایی که در بحث امنیت اقتصادی مطرح می‌گردد و تأثیرپذیری از تغییر در سایر شرایط دارد، موضوع معیشت افراد جامعه می‌باشد. اهمیت معیشت آحاد جامعه به‌حدی است که در صورت لطمه شدید به آن، منجر به بروز ناآرامی‌های اجتماعی و حتی امنیتی می‌گردد که می‌تواند برای نظامات سیاسی کشورها نیز چالش‌هایی را به‌همراه آورد. طی یک قرن اخیر نیز شاهد بروز تنش‌های زیادی در کشورهای گوناگون جهان و به‌ویژه آمریکای جنوبی بوده‌ایم که در نتیجه تلاطم در بازارهای گوناگون که معیشت مردم و امنیت اقتصادی آنان را دچار خدشه کرده بود، بروز کرده‌اند. از همین رو می‌بایست پیامدهای جنگ ارزی بر امنیت اقتصادی را در حوزه معیشت مردم به دقت موردبررسی قرار داد. در همین راستا، تأثیر نوسانات ارزی در نتیجه جنگ ارزی بر روی

مؤلفه‌هایی که معیشت مردم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، مورد تحلیل قرار می‌گیرند که در ادامه در چهار محور به آن‌ها پرداخته شده است.

#### ۱-۵. سرمایه‌گذاری در اقتصاد

بروز شوک در بازار ارز و پدید آمدن نوسانات نرخ ارز از جمله متغیرهایی است که در زمینه سرمایه‌گذاری در اقتصاد تأثیرگذار است. در همین زمینه مطالعات متعددی در سطح داخلی و خارج از کشور صورت پذیرفته است که مؤید مطلب مذکور است. از جمله مهم‌ترین تحقیقات داخلی که طی سالیان اخیر در این زمینه انجام شده است، می‌توان به پژوهش‌های شریفی رنانی و دیگران (۱۳۹۴)، کاغذیان و دیگران (۱۳۹۴)، جلائی و دیگران (۱۳۹۳) اشاره کرد که نتایج پژوهش‌های فوق، همگی مؤید رابطه معنادار میان تکانه‌های نرخ ارز و سطح سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران است. از آنجایی که بخشی از نهاده‌های تولید، تکنولوژی و سرمایه‌گذاری‌های صنایع در اقتصاد، وارداتی می‌باشد، از منظر کلان، با وقوع تکانه در نرخ ارز و تضعیف پول ملی، هزینه تأمین سرمایه مذکور افزایش می‌یابد. به‌ویژه در زمانی که تکانه‌های شدیدی رخ می‌دهد، این امر موجب استیصال واحدهای اقتصادی از تأمین نهاده و کالاهای سرمایه‌ای لازم از خارج می‌شود که در نهایت می‌تواند منجر به تعطیلی واحدهای اقتصادی گردد. از منظر بنگاه نیز سرمایه‌گذاری تحت‌تأثیر دو عامل بازدهی و ریسک می‌باشد و تصمیمات سرمایه‌گذاری با توجه به روابط میان بازدهی و ریسک صورت می‌پذیرد (ابزری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۴). نوسان و نااطمینانی در بازارهای پولی و ارزی منجر به انتقال نااطمینانی به بنگاه‌ها می‌شود و بر تصمیمات آن‌ها در مورد سرمایه‌گذاری‌های جدید در اقتصاد، تأثیر جدی و منفی می‌گذارد (رجبی و تاج‌الدین، ۱۳۹۵، ص. ۱۵). تحقیقات متعدد خارجی که در این زمینه منتشر شده است نیز نتایج مذکور را مورد تأیید قرار داده‌اند و جملگی بر تأثیر منفی نااطمینانی و نوسانات ارزی بر سرمایه‌گذاری در اقتصاد تأکید ورزیده‌اند که از آن جمله می‌توان به تحقیقات داری و دیگران (۱۹۹۹)، ناسی و پوزولو (۲۰۰۱) و سرون (۲۰۰۳) اشاره کرد. نگاهی به آمارهای اقتصادی نیز مؤید این مطلب می‌باشد. نمودار (۱) روند سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران طی ده سال اخیر و تقارن منفی آن با نوسانات نرخ ارز را نمایش می‌دهد.





#### نمودار (۱): روند سرمایه‌گذاری حقیقی (هزار میلیارد تومان) و نرخ ارز (تومان) در اقتصاد ایران

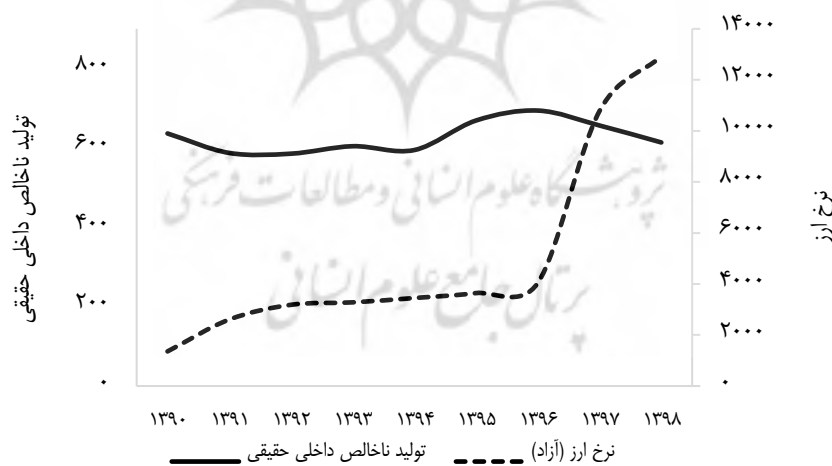
منبع: داده‌های سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که در نمودار (۱) نیز مشخص است، جنگ ارزی علیه ارزش پول ملی ایران و به تبع آن نااطمینانی که در بازار ارز ایجاد شده است، منجر به انتقال نااطمینانی به سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران شده است که در نتیجه آن، حجم سرمایه‌گذاری حقیقی که یکی از ارکان مهم و مؤثر بر تولید و معیشت مردم می‌باشد، از رقم ۱۷۱ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۰ به رقم ۹۸ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ افول کرده است. لذا امنیت اقتصادی ایران از این ناحیه (سرمایه‌گذاری) متأثر از جنگ ارزی با اخلال مواجه شده است.

#### ۲-۵. تولید در اقتصاد

یکی دیگر از محورهای مهمی که بر معیشت مردم به عنوان یک رکن اساسی در امنیت اقتصادی ایفای نقش می‌کند، رشد تولید حقیقی در اقتصاد و به‌طور خاص، رشد تولید سرانه حقیقی در اقتصاد می‌باشد. البته ناگفته نماند که بر معیار تولید و تولید سرانه حقیقی انتقاداتی وارد است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، عدم نمایش نابرابری توسط شاخص‌های مذکور است، لیکن همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهایی که نماد رشد فعالیت‌های اقتصادی و رونق معیشت مردم می‌باشد، مطرح است. پایش ادبیات

موضوع نشان می‌دهد که بروز نوسان و نااطمینانی در نرخ ارز، منجر به ضربه خوردن تولید ناخالص داخلی در اقتصاد می‌شود که از جمله مهم‌ترین مطالعات خارجی در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های دوماک و شابسیژ (۱۹۹۹)، ویرا و همکاران (۲۰۱۳) اشاره کرد. در واقع از آنجایی که با بروز نااطمینانی در نرخ ارز، سرمایه‌گذاری دچار خدشه می‌شود، تأثیر مستقیم بر سمت عرضه اقتصاد و تولید ناخالص داخلی می‌گذارد و منجر به تضعیف تولید می‌شود. همچنین نوسانات نرخ ارز با تأثیرگذاری بر تقاضای واردات و صادرات، منجر به تأثیرگذاری بر تولید ناخالص داخلی از سمت تقاضای اقتصاد می‌شوند (کوچک‌زاده و جلایی، ۱۳۹۳، ص. ۱۴). بنابراین آشکار است که با اعمال جنگ ارزی علیه ایران که منجر به بروز تلاطم در نرخ ارز گردد، زمینه تضعیف تولید در اقتصاد فراهم می‌شود. مطالعات داخلی صورت پذیرفته در مورد تأثیر نااطمینانی ارزی بر تولید، گزاره‌های فوق را در ایران تأیید می‌کنند. این موضوع در مطالعات کوچک‌زاده و جلایی (۱۳۹۳)، مبینی دهکردی و محمدی (۱۳۹۳)، زارعی و جهانگرد (۱۳۹۴) و مطهری و دیگران (۱۳۹۶) در مورد اقتصاد ایران مورد تحلیل قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌های آماری نیز نتایج مذکور را تأیید می‌کند.



نمودار (۲): روند تولید ناخالص داخلی حقیقی (هزار میلیارد تومان) و نرخ ارز (تومان)

#### در اقتصاد ایران

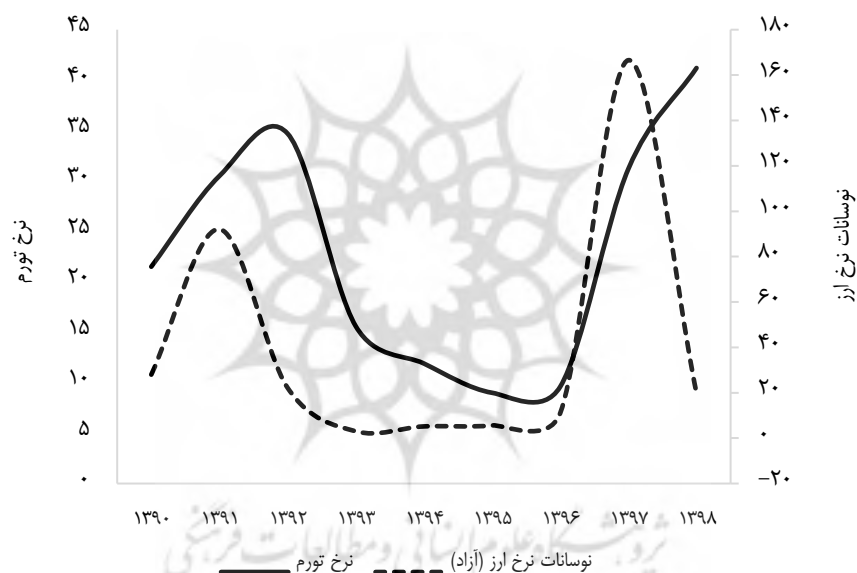
منبع: داده‌های سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همچنان‌که در نمودار (۲) مشخص است، تولید ناخالص داخلی حقیقی ایران طی دههٔ اخیر، از رقم ۶۳۶ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۰ به رقم ۶۱۴ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است. سال‌های اندکی نیز که رشد اقتصادی وجود داشته است، به دلیل صادرات نفتی بوده است. حائز اهمیت آنکه در هر دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۶ که شوک ارزی بر کشور وارد شده است و تضعیف پول ملی رخ داده است، تولید ناخالص داخلی با روند شدیدی دچار کاهش شده است. متأسفانه روندی که از سال ۱۳۹۶ آغاز شده و کشور همچنان درگیر جنگ ارزی می‌باشد، تغییر جهت نداده و همچنان افت تولید ناخالص داخلی پس از سه سال در حال تکرار است. شایان ذکر است که وضعیت در تولید سرانه وخیم‌تر نیز می‌باشد. طی بازهٔ زمانی مذکور که تولید ناخالص داخلی حقیقی افت کرده است، جمعیت کشور رشد کرده و از ۷۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به حدود ۸۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۸ رسیده است. به بیان اقتصادی، تولید سرانه حقیقی از رقم ۸,۵ میلیون تومان در سال ۱۳۹۰، با افت ۱۲,۵ درصدی، به رقم ۷,۴ میلیون تومان تنزل یافته است. با عنایت به آمارها و نکات مذکور، ملاحظه می‌شود که امنیت اقتصادی کشور در حوزهٔ معیشت، از مجرای تولید ناخالص داخلی تحت تأثیر جنگ ارزی علیه ایران در دههٔ ۹۰ قرار گرفته و با اختلال مواجه شده است.

### ۳-۵. تورم

از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که بر معیشت مردم به‌عنوان یکی از ارکان امنیت اقتصادی، تأثیر بارز دارد، متغیر تورم می‌باشد. بر حسب مطالعات صورت پذیرفته، تورم به‌طور مستقیم با شاخص امید به زندگی که یکی از شاخص‌های رفاهی جامعه است، رابطهٔ منفی دارد (پناهی و آل‌عمران، ۱۳۹۵، ص. ۳۴۵). همچنین تورم تأثیر مستقیم و هم‌جهت با توزیع درآمد، ضریب جینی و نابرابری درآمدی دارد، به‌نحوی که با افزایش آن، مؤلفه‌هایی نظیر ضریب جینی و نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد (ابونوری و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۷۷) که این موضوع به‌طور مستقیم، مکانیسم تأثیرگذاری تورم بر معیشت مردم و فشار مضاعف آن بر اقشار متوسط و ضعیف را به نمایش می‌گذارد. مطالعات تجربی صورت پذیرفته میان نوسانات نرخ ارز و تورم، حوزهٔ گسترده و پُرباری را نشان می‌دهد. در مطالعات خارجی از جمله ایتو و ساتو (۲۰۰۷)، شیتانی و دیگران (۲۰۱۳) و مادشا و

دیگران (۲۰۱۳)، وجود رابطه میان نوسانات نرخ ارز و بروز پدیده تورم مورد تأیید قرار گرفته است. مطالعات تجربی داخلی مرتبطی که طی یک دهه اخیر در مورد تأثیر نوسانات نرخ ارز بر افزایش تورم صورت پذیرفته است نیز مؤید این مطلب است که با بروز نوسانات در نرخ ارز، تورم افزایش می‌یابد. از جمله جدیدترین این پژوهش‌ها می‌توان به غفاری و دیگران (۱۳۹۲)، عزیزنژاد و کمیجانی (۱۳۹۴) و طیبی و دیگران (۱۳۹۴) اشاره کرد که نتایج هر سه مورد، هم‌راستا می‌باشد. نگاهی به روند آمارهای اقتصادی نیز چنین چیزی را نمایش می‌دهد.



نمودار (۳): روند نرخ تورم (درصد) و نوسانات نرخ ارز (درصد) در اقتصاد ایران

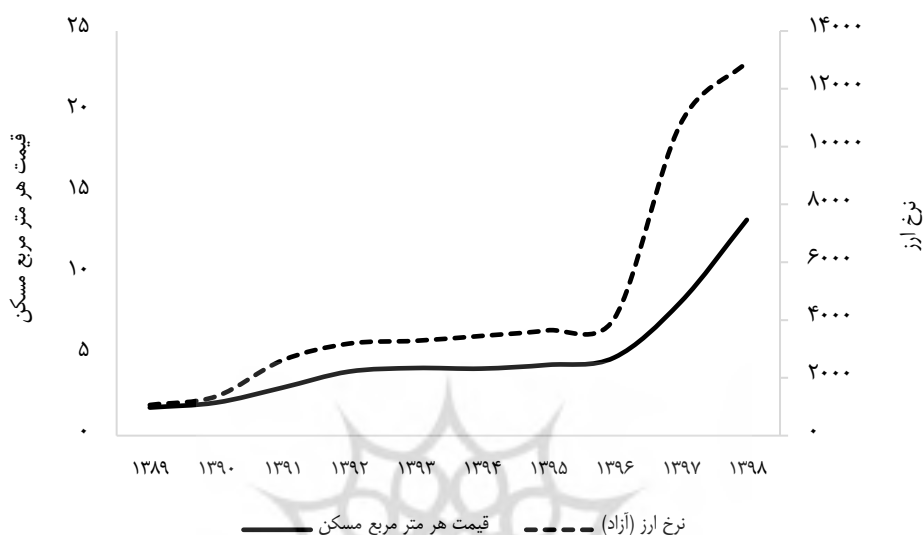
منبع: داده‌های سری‌های زمانی بانک مرکزی

باعنایت به نمودار (۳) واضح و مبرهن است که افزایش نرخ ارز و تضعیف پول ملی، چگونه منجر به بروز تورم در اقتصاد ایران شده است. لذا نتایج پژوهش‌های علمی مرتبطی که در این زمینه صورت پذیرفته است و تحلیل آمارهای اقتصادی کشور نشان می‌دهد که بروز پدیده جنگ ارزی توسط کشورهای متخاصم علیه ایران، منجر به بروز تورم‌های بالا در اقتصاد ایران شده است و از آنجایی که این متغیر نقشی کلیدی را در معیشت مردم دارد، لذا

امنیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. در ایران نرخ ارز و تورم در چرخه‌ای قرار دارند که بر یکدیگر به‌طور مستقیم اثر می‌گذارند، البته داده‌های زمانی نشان می‌دهد که شوک ارزی مقدمه افزایش نرخ ارز بوده و این سیکل ادامه پیدا می‌کند.

#### ۴-۵. بازارهای موازی

بازارهای موازی که امکان سودآوری در آن‌ها وجود دارد - نظیر بازار مسکن، طلا، خودرو و غیره - از جمله بازارهایی هستند که بر سطح معیشت مردم تأثیرگذارند، از همین رو با بروز نوسان در بازار ارز در نتیجه جنگ ارزی، بازارهای موازی نیز دچار نوسان می‌شوند و بر سطح رفاه و معیشت مردم تأثیر می‌گذارند. از آنجایی که یکی از مهم‌ترین بازارهای موازی که مستقیماً بر سطح معیشت مردم، به‌ویژه اقشار متوسط و ضعیف تأثیر جدی دارد، بازار مسکن می‌باشد. در این بخش بازار مسکن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. طبق آخرین داده‌های اعلام مرکز آمار، هزینه‌های مربوط به مسکن، بیش از ۳۰ درصد از هزینه خانوار را به‌خود اختصاص می‌دهند. واضح است که هرچه این درصد در طبقات متوسط و ضعیف، بیشتر باشد، تأثیر جدی‌تری بر معیشت مردم دارد. مطالعات متعددی که در این زمینه صورت پذیرفته است، آشکارا تأثیر نرخ ارز بر قیمت مسکن را مورد تأیید قرار داده است که از جمله مهم‌ترین و جدیدترین آن‌ها می‌توان به مطالعات کاغذیان و دیگران (۱۳۹۴) و موسوی و درودیان (۱۳۹۴) اشاره کرد. در واقع با بروز شوک در متغیر نرخ ارز، اولاً از آنجایی که زمینه مهار سودآوری در بازار مسکن با استفاده از ابزارهای مالیاتی فراهم نشده است، بازار مسکن به‌عنوان یک فرصت سودآوری نگریسته می‌شود و دارندگان مسکن به‌عنوان یک گزینه سرمایه‌گذاری، قیمت مسکن را بالا می‌برند. این مورد به‌نحوی نگاه به مسکن از منظر پورتفوی سرمایه‌گذاری می‌باشد. ثانیاً با افزایش نرخ ارز که منجر به افزایش سطح هزینه‌ها در اقتصاد می‌شود، بهای تمام‌شده مسکن نیز افزایش می‌یابد که این عامل نیز منجر به افزایش قیمت مسکن می‌شود. نمودار زیر مؤید این مطلب است که با بروز شوک در قیمت ارز، بهای مسکن به مقدار چشمگیری افزایش می‌یابد.



نمودار (۴): روند قیمت هر متر مربع مسکن در تهران (میلیون تومان) و نرخ ارز (تومان) در اقتصاد ایران

منبع: داده‌های سری‌های زمانی بانک مرکزی

همان‌طور که در نمودار (۴) مشخص است، طی دهه اخیر که ایران مورد حمله از طریق جنگ ارزی قرار گرفته است، با افزایش‌های قابل توجه در نرخ ارز، بهای مسکن نیز دچار جهش شده است. لذا با توجه به اهمیتی که مسکن در سبک معیشتی خانوارها دارد، با وقوع جنگ ارزی، امنیت اقتصادی از این ناحیه نیز متأثر شده است.

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امنیت اقتصادی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در ابعاد اقتصادی جامعه، دارای جنبه‌های گوناگونی می‌باشد که متأثر از عوامل مختلف، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این پژوهش به موضوع معیشت مردم به‌عنوان یکی از وجوه مهم امنیت اقتصادی پرداخت و تأثیرپذیری این موضوع از جنگ ارزی را مورد کنکاش و تحلیل قرار داد.

همان‌طور که ملاحظه شد و در ادبیات نظری موضوع نیز اشاره شده است، نرخ ارز و نوساناتی که در آن به‌وقوع می‌پیوندد، یکی از مهم‌ترین عواملی است که بر وضعیت سایر متغیرهای کلان تأثیر می‌گذارد، از همین‌رو ایجاد جنگ ارزی توسط کشورهای متخاصم با ایران، به‌عنوان متغیری که بتواند اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی آن را تحت تأثیر قرار دهد، در دستور کار قرار گرفته است، به‌نحوی که وضعیت این موضوع از سال ۱۳۹۰ تا به حال، امری آشکار است. در همین راستا، دشمنان انقلاب اسلامی از دو مجرای کلی تحریم نفت به‌منظور کاهش درآمدهای ارزی و تحریم تبادلات نظام بانکی به‌منظور محدودیت در ورود دلار به کشور، اقدام به جنگ ارزی همه‌جانبه با ایران کرده‌اند.

از آنجایی که معیشت خانوارها یکی از مهم‌ترین ابعاد است که می‌تواند در جریان مشکلات اقتصادی تحت تأثیر قرار بگیرد و امنیت اقتصادی را با اختلال مواجه سازد، این پژوهش در چهار محور کلی که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر معیشت خانوارها می‌باشند، به تحلیل موضوع پرداخت، به‌نحوی که با در نظر گرفتن وضعیت تولید در کشور و در نتیجه تولید سرانه، جنبه درآمدی معیشت را مورد بررسی قرار داد و با در نظر گرفتن وضعیت تورم و بازار مسکن، جنبه هزینه‌ای معیشت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

همان‌طور که مشاهده شد، طی ده سال اخیر، رابطه تنگاتنگی میان بروز نوسانات ارزی و وضعیت معیشت مردم برقرار است. به‌نحوی که:

- با بروز جنگ ارزی و نااطمینانی منتج شده از آنکه در تلاطمات نرخ ارز مشاهده می‌شود، حجم سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران به‌عنوان موتور محرک تولید، به کمتر از نصف رسیده است.

- با بروز جنگ ارزی، تولید ناخالص داخلی حقیقی کشور آسیب جدی دیده است و به سطحی کمتر از سال ۱۳۹۰ رسیده است. در واقع از آنجایی که بخش مهمی از تولیدات صنعتی ایران وابسته به واردات نهاده‌های تولید هستند، با بروز جنگ ارزی و گران شدن ارز، هزینه تولید بالا رفته است و چشم‌انداز مبهمی را روبه‌روی صنایع قرار داده است.

❖ جمع‌بندی دو بند مذکور نشان می‌دهد که وضعیت درآمدی معیشت خانوارها دچار آسیب شده است که این موضوع بر امنیت اقتصادی جامعه تأثیر جدی و مستقیم دارد.

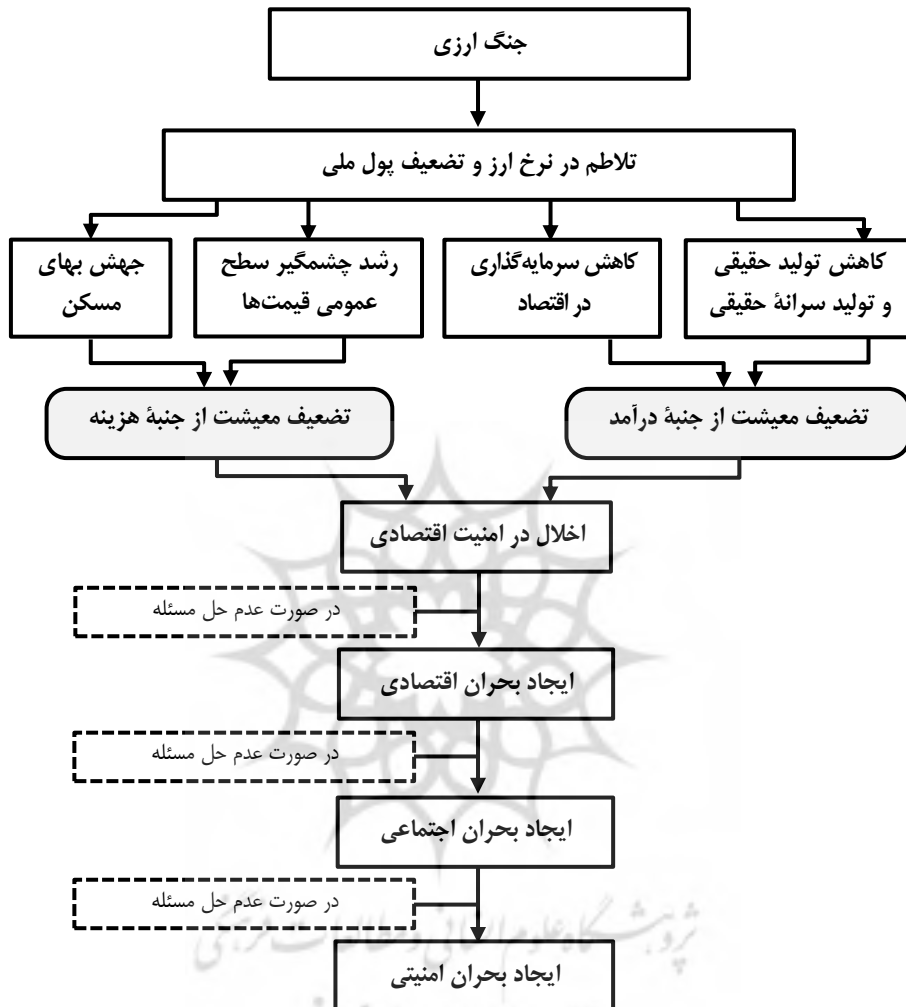
- با بروز جنگ ارزی، اقتصاد ایران دچار تورم‌های افسارگسیخته شده است. در واقع از آنجایی که پول ملی تضعیف شده است، لذا هزینه تولیدات صنعتی که وابسته به نهاده‌های وارداتی هستند، افزایش یافته و از سوی دیگر، کالاهای مصرفی وارداتی نیز گران‌تر شده‌اند. همچنین از آنجایی که سایر بازارهای دارای نیز وابسته به تغییرات نرخ ارز هستند، جهش در آن‌ها نیز رخ داده و مزید علت شده‌اند تا تورم افزایش یابد.

- با بروز جنگ ارزی و تضعیف پولی ملی، وضعیت بازار مسکن دچار تلاطمات جدی شده است. به نحوی که با بروز شوک در نرخ ارز، بهای مسکن نیز دچار جهش شده است.

❖ لذا می‌توان گفت که معیشت خانوارها از حیث هزینه نیز دچار آسیب جدی شده است و روزبه‌روز با هزینه‌های بیشتری مواجه می‌باشند.

از آنجایی که طی سالیان اخیر، تولید سرانه حقیقی تضعیف شده است و از سوی دیگر، سطح هزینه‌ها افزایش یافته است، معیشت خانوارها وضعیت نامناسب و حتی بحرانی را طی می‌کند. به‌ویژه آن‌که طی سالیان اخیر، افزایش حقوق و دستمزد - به‌ویژه در اقشار کارگر - به مراتب کمتر از رشد هزینه‌ها بوده است. لذا امری بدیهی است که در صورتی که چاره‌اندیشی برای موضوع نگردد، ابتدا وضعیت امنیت اقتصادی کشور دچار مشکل حاد می‌شود و در صورت تداوم وضع موجود، زمینه بروز ناآرامی‌های اجتماعی و امنیتی محتمل می‌باشد. در خاتمه به‌منظور درک بهتر از موضوع، دایگرافی که نمایانگر بهتر ارتباط میان جنگ ارزی، معیشت مردم و امنیت اقتصادی می‌باشد، ترسیم شده است.





شکل (۱): طرح‌واره بحران‌های ممکن ناشی از جنگ ارزی

منبع: یافته‌های تحقیق

#### کتابنامه

ابزری، مهدی؛ صمدی، سعید؛ و تیموری، هادی (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر ریسک و بازده سرمایه‌گذاری در محصولات مالی. فصلنامه روند، ۱۴ (۵۴ و ۵۵)، ۱۲۳-۱۵۲

**بررسی جنگ ارزی و امنیت اقتصادی در ایران ... / علیرضا خزایی و دیگران مطالعات امنیت اقتصادی ۵۷**

ابونوری، عباسعلی؛ مفتاح، سمیه؛ و پرهیزی گشتی، هادی (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل اثر تورم بر توزیع درآمد در ایران» (تحلیل مقایسه‌ای مناطق شهری و روستایی ایران). فصلنامه اقتصاد مالی، ۵(۱۳)، ۷۷-۹۶.

اکبری، مهرنوش (۱۳۹۳). امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در ایران. کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، حسابداری، مدیریت و علوم اجتماعی، تهران، ایران. پورسید، بهزاد (۱۳۸۲). امنیت اقتصادی در بُعد سرمایه‌گذاری خارجی. مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی. تهران، ایران.

جعفری صمیمی، احمد؛ و اختیاری، شهرام (۱۳۸۷). تأثیر امنیت اقتصادی بر فرآیند رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تأکید بر ایران. فصلنامه اقتصاد مالی، ۲(۷)، ۷۰-۹۱.

جعفری، محمد؛ شاکری، عباس؛ و محمدی، تیمور (۱۳۹۷). تأثیر نوسانات بازارهای مالی بر قیمت نفت و امنیت اقتصادی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۱(۸۰)، ۱۰۱-۱۳۴. جلابی، سید عبدالمجید؛ و نجاتی باقری، فرخنده (۲۰۱۶). بررسی تأثیر تکانه‌های نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری و اشتغال در ایران با رهیافت مدل‌های تعادل عمومی قابل محاسبه. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۶(۲)، ۲۰۱-۲۲۰.

جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۸). نقش امنیت اقتصادی در حفظ انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۵(۱۶)، ۱۱-۴۲.

پناهی، حسین؛ و آل‌عمران، علی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تورم، مخارج بهداشتی و شهرنشینی بر امید به زندگی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA). فصلنامه پایش، ۴(۱۵)، ۳۴۶-۳۵۱.

درویشی، فرهاد (۱۳۸۹). ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره). فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳(۴۹)، ۵۵-۸۲.

رجبی، مصطفی؛ و تاج‌الدین، نسیم (۱۳۹۵). تحلیل تأثیر نااطمینانی اقتصاد کلان بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۹. فصلنامه اقتصاد کاربردی، ۶(۱۸)، ۱۵-۲۱.

رسولی، کریم؛ و فرزین‌وش، اسداله (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین امنیت اقتصادی و درآمدهای مالیاتی (شواهدی از کشورهای منا). اقتصاد کاربردی، ۳(۹)، ۱۵۲-۱۲۳.

رسولی، کریم؛ و فرزین‌وش، اسداله (۱۳۹۱). تبیین رابطه بین آزادی و امنیت اقتصادی با تشکیل سرمایه؛ شواهدی از کشورهای نوظهور و در حال توسعه. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۴(۱۳)، ۲۴۵-۲۶۳.

زارع، مهدی؛ و مرادی کهواده، حسین (۱۳۹۵). امنیت اقتصادی، اهمیت و جایگاه آن در ایران. *همایش ملی شرکت‌های دانش‌بنیان فرصت‌ها و چالش‌ها و نقش آن در توسعه کشور*، چابهار، سیستان و بلوچستان، ایران.

شریفی‌رنانی، حسین؛ میرفتاح، مریم؛ و دایی کریم‌زاده، سعید (۲۰۱۵). تأثیر نوسانات نرخ ارز بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. *اقتصاد پولی، مالی*، ۱۰(۲۲)، ۱۷۸-۱۵۲.

طیبه، سید کمال؛ نصرالهی، خدیجه؛ یزدانی، مهدی؛ و ملک حسینی، حسن (۱۳۹۴). تحلیل اثر عبور نرخ ارز بر تورم در ایران (۱۳۷۰-۱۳۹۱). *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۰(۶۳)، ۳۶-۱.

عزیزنژاد، صمد؛ و کمیجانی، اکبر (۱۳۹۶). تغییرات نرخ ارز و اثر آن بر نوسانات متغیرهای منتخب اقتصاد کلان در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار* (پژوهش‌های اقتصادی)، ۱۷(۱)، ۱۲۱-۱۴۳.

علوی، سید یحیی؛ شهبازی، نجفعلی؛ و احدی، محمدحسین (۱۳۹۹). واکاوی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بحران ارزی سال ۱۳۹۷، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۱۲(۴۸)، ۷۶-۵۱.

کاغذیان، سهیلا؛ نقدی، یزدان؛ و پاشایی، حسین (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نوسانات نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری بخش مسکن در ایران. *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، ۳(۱۲)، ۱۸۱-۱۹۶.

کوچک‌زاده، اسما؛ و جلائی، عبدالمجید (۱۳۹۳). بررسی تأثیر نااطمینانی نرخ ارز بر رشد بخش‌های اقتصادی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۴(۱۶)، ۱۱-۲۰.

مبینی دهکردی، مصطفی؛ و محمدی، تیمور (۱۳۹۳). «تأثیر غیرخطی نااطمینانی نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی با نفت و بدون نفت ایران: رهیافت GARCH-M». *فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی*، ۱۴(۵۵)، ۷۰-۴۱.

مصطفی‌پور، منوچهر (۱۳۸۹). نگاهی به علل و ابزارهای جنگ ارزی بین کشورها. *فصلنامه اقتصادی* (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۰(۷ و ۸)، ۱۱۷-۱۱۱.

مطهری، محب‌اله؛ لطفعلی‌پور، محمدرضا؛ و احمدی شادمهری، محمدطاهر (۱۳۹۶). اثرات نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی در ایران: یافته‌هایی جدید با رویکرد غیرخطی. *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۴(۱۶)، ۱۹۸-۱۷۵.

- موسوی، میرحسین؛ و درودیان، حسین (۱۳۹۴). تحلیل عوامل مؤثر بر قیمت مسکن در شهر تهران، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی. ۹(۳۱)، ۱۰۳-۱۲۷.
- سیف، الله‌مراد (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی. فصلنامه آفاق امنیت، ۳(۹)، ۳۵-۷.
- هاشمیان اصفهانی، مسعود؛ و گرجی، ابراهیم (۱۳۸۶). کاربرد شاخص امنیت اقتصادی در تبیین تحولات ژئواکونومیکی در فرایند جهانی شدن. دوفصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۳(۷)، ۷۴-۵۰.
- Brunetti, A., Kisunko, G., & Weder, B. (1998). Credibility of rules and economic growth: Evidence from a worldwide survey of the private sector. *The World Bank Economic Review*, 12(3), 353-384.
- Darby, J., Hallett, A. H., Ireland, J., & Piscitelli, L. (1999). The impact of exchange rate uncertainty on the level of investment. *The Economic Journal*, 109(454), 55-67.
- Shabsigh, M. G., & Domaç, I. (1999). *Real exchange rate behavior and economic growth: Evidence from Egypt, Jordan, Morocco, and Tunisia*. International Monetary Fund.
- Ito, T., & Sato, K. (2007). Exchange rate pass-through and domestic inflation: A comparison between East Asia and Latin American countries. *Research institute of Economy, Trade and Industry, RIETI Discussion Papers*, 7040.
- Jeanne, O. (2018). Currency wars, trade wars and the global demand. *Unpublished manuscript*.
- John A. and Cynthia Fry Gunn Building (2013), currency war usa vs japan. Stanford University,
- Madesha, W., Chidoko, C., & Zivanomoyo, J. (2013). Empirical test of the relationship between exchange rate and inflation in Zimbabwe. *Journal of economics and sustainable development*, 4(1), 52-58.
- Wolf, M. (2010). Currencies clash in new age of beggar-my-neighbour. *Financial Times*, 28, 2010.
- Nucci, F., & Pozzolo, A. F. (2001). Investment and the exchange rate: An analysis with firm-level panel data. *European Economic Review*, 45(2), 259-283.
- Servén, L. (2003). Real-exchange-rate uncertainty and private investment in LDCs. *Review of Economics and Statistics*, 85(1), 212-218.
- Shintani, M., Terada-Hagiwara, A., & Yabu, T. (2013). Exchange rate pass-through and inflation: A nonlinear time series analysis. *Journal of international Money and Finance*, 32, 512-527.
- Vieira, F. V., Holland, M., Da Silva, C. G., & Bottecchia, L. C. (2013). Growth and exchange rate volatility: a panel data analysis. *Applied Economics*, 45(26), 3733-3741.
- Akberdina, V. V., Kocherbaeva, A. A., & Smirnova, O. P. (2018). Methods for assessment of the economic security level in the region. *Espacios*, 39(24).
- Arana, G. V. (2014). *Currency Wars: The Lack of a Global Monetary System* (Doctoral dissertation, tese de Mestrado em Management, Technology, and Economics, Zürich).